



۲۰۱۷/۰۴/۲۹



بصیر صباح

تحقیق و جست و جو در ادبیات فولکلور و نقل قول های مشهور

بخش یازدهم (۳)

بالا تر از سیاهی رنگی نیست



عبارت بالا هنگامی بکار برده میشود که آدمی در انجام کار دشواری تهور و جسارت را به حد نهایت رسانیده باشد. البته آن تهور و جسارتی در اینجا منظور نظر است و میتواند مصداق ضرب المثل بالا واقع شود که مبتنی بر اجبار و اضطراب بوده و عامل عمل را کارد به استخوان رسیده باشد. در این گونه موارد اگر عواقب شوم متصوره را متذکر شوند و عامل را از اقدام به آن کار خطیر باز دارند جواب به ناصح مشفق این است که: "بالا تر از سیاهی رنگی نیست". و از سیاهی منظورش شکست یا مرگ است که می خواهد بگوید از آن ترس و بیم ندارد. پیداست وقتی که معلوم شود منظور از سیاهی چیست، طبیعاً ریشه تاریخی مطلب به دست خواهد آمد. ریشه عبارت مثلی بالا از دو جای مایه میگردد و دو عامل در بوجود آوردن آن مؤثر بوده است. یکی عامل فیزیکی و دیگری عامل تاریخی که البته در علت تسمیه ضرب المثل بالا با توجه به قدمت آن عامل تاریخی منظور نظر است؛ نه عامل فیزیکی که کشف علمی آن قدمت چندنی ندارد. با این وصف بی فایده نیست که عامل فیزیکی آن هم دانسته شود. عامل فیزیکی: به طوری که میدانیم نور خورشید از مجموعه الوان مختلفه ترکیب و تشکیل شده است که چون بر جسمی بتابد هر رنگی که از آن جسم تشعشع کند، جسم مزبور به همان رنگ دیده میشود. چنانچه تمام رنگهای نور خورشید از آن متصاعد شود، جسم به رنگ سفید نمایان می شود که روشنترین رنگهاست. ولی اگر هیچ رنگی از آن جسم تشعشع نکند و تمام نور خورشید را در خود نگاه دارد، در این صورت جسم به رنگ سیاه نمایان میگردد. پس ملاحظه می شود که رنگ سیاه از آن جهت که تمام رنگها را در خود جمع دارد، مافوق تمام رنگهاست و به همین سبب است که گفته اند:

"بالا تر از سیاهی رنگی نیست"

در پای آن درخت سرو آرمیدم و تا شامگاهان به خواب خوش فرو رفتم. چون شب فرا رسید:

دیدم از دور صد هزاران حور کز من آرام و صابری شد دور
هر نگاری به سان تازه بهار همه در دست ها گرفته نگار
لب لعلی چو لاله در بستان لعل شان خون بهای خوزستان
شمع هایی به دست شاهانه خالی از دود و گاز و پروانه
بر سر آن بتان حور سرشت فرش و تختی چو فرش و تخت بهشت
فرش انداختند و تخت زدند راه صبرم زدند و سخت زدند

در حال بهت و حیرت به سر می بردم که ماه پیکری از دور پدیدار شده، یکسره به سوی تخت رفت و بر آن جای گرفت:

آمد آن بانوی همایون بخت چون عروسان نشست بر سر تخت
عالم آسوده یکسر از چپ و راست چون نشست او، قیامتی برخاست
پس یکی لحظه چون نشست بجای برقع از رخ گشود و موزه ز پای
چون زمانی گذشت سر برداشت گفت با محرمی که در بر داشت
که ز نامحرمان خاک پرست می نماید که شخصی اینجا هست

چنین به نظر می رسد که از نامحرمان خاک پرست، شخصی بدین جا فرود آمده باشد. برو او را پیدا کن و نزد من بیار. آن پری زاده به سوی من آمد و مرا نزد بانوی خویش برد. بانوی بانوان مرا در کنار خویش جای داد و مهربانی ها کرد. آنگاه فرمان داد خوان و خوراک آوردند و از پس آن مطربان و مغنیان به بزم آرایبی پرداختند و شراب و باده ناب به گردش آوردند. چون مدتی بدین منوال گذشت همه را مرخص کرد. پس در آغوش گرفتم و بر سر تا پای وی بوسه زدم:



بوسه بر پای یار خویش زدم	تا مکن بیش گفت، بیش زدم
عشق میبایختم ببوس و به می	به دلی و هزار جان با وی
گفتمش، دلپسند کام تو چیست؟	امداریت هست، نام تو چیست؟
گفت: من ترک نازنین اندام	نازنین ترکتاز دارم نام
گرم گشتم چنانکه گردد مست	یار در دست و رفته کار از دست
خونم اندر جگر به جوش آمد	ماه را بانگ خون بگوش آمد

خواستم بیشتر دست درازی کنم و آنچه دلخواه هست کامجویی نمایم که: گفت:

امشب به بوسه قانع باش	بیش ازین رنگ آسمان متراش
هر چه زین بگذرد روا نبود	دوست آن به که بی وفا نبود
تا بود در تو ساکنی در جای	زلف کش، گازگیر و بوسه ربای
زین کنیزان که هر یکی ماهیست	شب عشاق را سحرگاہیست
هر شبت زین، یکی گوهر بخشم	گر دگر بایدت، دگر بخشم

پایان بخش یازده (۳)
ادامه دارد

قسمت اول تا یازدهم این مطب را به کمک لینک های آتی مطالعه کنید"

بخش اول

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_01.pdf

بخش دوم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_02.pdf

قسمت سوم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_03.pdf

قسمت چهارم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_04.pdf

قسمت پنجم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_05.pdf

قسمت ششم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_06.pdf

قسمت هفتم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_07.pdf

قسمت هشتم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۰۸.pdf

قسمت نهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۰۹.pdf

قسمت دهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۱۰.pdf

قسمت یازدهم (۱)

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۱۱_۱.pdf

قسمت یازدهم (۲)

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۱۱_۲.pdf

**** * ****

